

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۷/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۶/۱۲/۲۴

## روابط ایران و عمان در دوره پهلوی دوم

دکتر علیرضا خزانلی \*

محمدجعفر چمنکار \*\*

### چکیده

روابط خارجی ایران در دوره پهلوی دوم با شیخ نشینهای خلیج فارس، تحت تأثیر مجموعه رویدادهای منطقه خلیج فارس و دریای عمان در دهه ۱۹۷۰ م، ۱۳۵۰ ش، قرار داشت. خروج نیروهای انگلستان از خلیج فارس بر اساس سیاست شرق کانال سوئز و مسئله خلاء قدرت در منطقه، دکترین نیکسون مبنی بر اعطای هرچه بیشتر اختیارات امنیتی به متحدان امریکا در مناطق ژئوپولیتیک جهان، تحول نقش آفرینی ایران به عنوان قدرت برتر در حوزه خلیج فارس یا هدف پر کردن خلاء قدرت، افزایش قیمت نفت و توسعه توانمندی نظامی تهران از جمله عواملی بود که باعث گسترش روابط ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس گردید. از این میان دولت عمان از جایگاه ویژه ای در روابط خارجی ایران برخوردار است. روابط با سلطان نشین عمان و حضور سیاسی و نظامی ایران در این کشور در راستای سیاست کلی دولت پهلوی قابل توجه است.

این مقاله روابط ایران و عمان را به ویژه بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ م در عرصه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده است.

### واژگان کلیدی

ایران - عمان، روابط خارجی، پهلوی دوم

---

\* استادیار دانشگاه تبریز

\*\* دانشجوی دکتری دانشگاه تبریز

## مقدمه

سلطان نشین عمان<sup>۱</sup> در منتهی الیه شرق و جنوب شرقی شبه جزیره عربستان، ما بین منطقه جغرافیایی ۱۶/۴۰ و ۲۶/۲۰ درجه عرض شمالی و ۱۵/۵۰ و ۵۹/۴۰ درجه طول شرقی واقع شده است (Ministry of information, ۱۹۹۸/۹۹:p۲۵).

عمان از جنوب غربی به یمن، از شمال شرقی به دریای عمان و دریای عرب و از طرف شمال غربی و مغرب به امارات متحده عربی و عربستان سعودی متصل است. سرزمین عمان از سه طرف به وسیله دریا در بر گرفته شده است: خلیج فارس در شمال، خلیج عمان در شرق و دریای عمان در جنوب. کشور عمان به صورت کلی به دویخش عمده عمان شمالی یا عمان متصالح یا شبه جزیره «مسندام» و عمان جنوبی یا سرزمین «مسطط» تقسیم می شود عمان شمالی را خاک امارات متحده عربی، شامل شیخ نشین های «فجیره» و «شارجه» از خاک اصلی جدا کرده است. شبه جزیره مسندام بین ۲۴/۵ و ۲۶/۲۰ درجه عرض شمالی در محل تلاقی آب های خلیج فارس به دریای عمان قرار گرفته و در منتهی الیه شمالی سرزمین عمان و روبه روی جزایر ایرانی «لارک» و «قشم» واقع است (یگانه، ۱۳۷۴: صص ۲-۳).

باریکه کرانه دریایی این کشور در امتداد شمال به جنوب دریای عمان «سواحل باطنه» نام دارد که ۳۲۱/۸ کیلومتر مربع مساحت دارد (Anthony, ۱۹۷۶:p۲۵). جنوبی ترین بخش خاک عمان را استان «ظفار» تشکیل می دهد (Ministry of thformation, ۱۹۹۸/۹۹:p۲۵). به این ترتیب عمان از لحاظ جغرافیایی و طبیعی سرزمینی با دو پاره کاملاً مستقل از یکدیگر به نظر می رسد. کشور عمان در شمال و جنوب به همراه چند مجمع الجزایر کوچک ۳۰۹/۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد (Abid, p۲۵) و به عنوان وسیع ترین کشور در ساحل جنوبی تنگه هرمز با قرار گرفتن در کمتر از ۵۰ کیلومتری جزیره لارک از تمامی کشور های عرب نشین دیگر در این منطقه به ایران نزدیک تر است (طلوعی، ۱۳۶۶: صص ۸۸).

۱- Sultanate of Oman

آب و هوای عمان گرم و خشک و گرم و مرطوب است. در نواحی ساحلی ریزش باران بسیار اندک و در ارتفاعات، میزان بارندگی زیاد است. میزان متوسط بارندگی در این کشور حدود یکصد میلی متر است که از مناطق داخلی به بخش های ساحلی متغیر است (The Europa world year book, ۱۹۹۸:۲۵).

عمان براساس سرشماری سال ۱۹۹۳، بالغ بر ۲/۰۱۸/۰۷۴ نفر جمعیت داشته است که شامل ۱/۴۸۳/۲۲۶ نفر عمانی الاصل و ۵۳۴/۸/۴۸ نفر غیر عمانی است و تراکم جمعیت در هر کیلومتر مربع ۶/۵ نفر است (Ministry of information, ۱۹۹۸/۹۹:۲۶۴).  
سلطان نشین عمان یک جامعه قبیله‌ای متکی بر تعصبات و آداب و سنن عشیره‌ای سنتی کهن است. بیش از ۲۰۰ قبیله کوچک و بزرگ در این کشور یافت می‌شود که از مشخص‌ترین ویژگی‌های اجتماعی این سرزمین محسوب می‌شود (متدیات انساب اون لاین، ۲۰۰۷: صص ۳-۱).

همچنین عظمت سده‌های پیشین و حضور دول بیگانه باعث گرد آمدن مجموعه‌ای گوناگون از نژادهای عرب و اقلیت‌های غیر عرب شده است.  
از گروه‌های نژاد قبیله‌ای مهم می‌توان به قبیله «شیوخ» در شمال عمان یا مسندام اشاره کرد که گویشی نامتجانس با زبان عربی دارند و با لغاتی برگرفته از فارسی، عربی و هندی تکلم می‌کنند (مجتهدزاده، ۱۳۵۴، ص ۱۲).  
همچنین در عمان قبایل «بهارینه» زندگی می‌کنند که مردمی با اصالت نیمه عرب و نیمه ایرانی بوده، عمدتاً سواحل ایرانی و عراقی داشتند و پیرو مذهب شیعه اثنی عشری هستند (Anthony, ۱۹۷۶, p1۳).

ساکنین عمان از لحاظ مذهبی از نخستین مردمانی بودند که در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) اسلام را پذیرا شدند. پس از نبرد نهروان، گروهی از خوارج به رهبری «عبدالله بن فدیک» به این منطقه دور افتاده و امن مهاجرت نموده و آنجا را مرکز عملیات خود قرار دادند. به تدریج با گرایش و استقبال مردم عمان، فرقه «اباضیه» که پیروان «عبدالله بن اباض تیمیمی» بودند و شاخه‌ای از خوارج محسوب می‌شود، در این سرزمین ظهور کرد و رونق یافت (کامران مقدم، ۱۳۵۶: ص ۳۵۷).

اباضیه از اواسط سده دوم هجری مذهب بیشتر مردم عمان گردید؛ در نتیجه با حضور گسترده پیروان اباضی و گروه اقلیتی از اهل تسنن، این کشور در طول تاریخ صحنه نبردهای مذهبی خونین زیادی بوده است. امروزه نیز پیروان مذهب اباضی دارای اکثریت اند و خانواده سلطنتی «آل ابوسعید» نیز از آن جمله به شمار می‌روند. به طور کلی عمان تنها موطن اصلی اسلام اباضی در سطح جهان و دنیای اسلام است (دکمجیان، ۱۳۷۲: ص ۲۳۵).

تفاوت های عقیدتی میان ایرانیان شیعه مذهب و خوارج عمان همواره یکی از علل بروز اختلاف میان دو کشور، به ویژه از اواخر دوره صفویه تا اواسط سلسله قاجار بوده است.

عمان امروز از لحاظ اقتصادی تک محصولی بوده، وابستگی شدیدی به درآمدهای حاصل از فروش نفت دارد که از اواخر دهه ۱۹۶۰ به صورت تجاری مورد استفاده قرار گرفته است (The new Encyclopedia Britanica, ۱۹۹۰: p۹۴۵).

پس از صنعت نفت بخش کشاورزی و دامداری بیشترین اهمیت را در اقتصاد عمان دارند و بیش از ۵۰٪ از جمعیت کشور در این دو بخش مشغول به فعالیت هستند (Wazaifi, ۱۹۷۶: p۲۹۵).

ماهگیری نیز با توجه به شرایط خاص طبیعی عمان، گروه زیادی از مردم را جذب نموده و محصولات دریایی همیشه جزء اقلام صادراتی این کشور بوده است (Risso, ۱۹۸۶: p۳).

از مهم ترین کالاهای وارداتی عمان منسوجات، مواد غذایی، ماشین آلات، وسایل و ابزار صنعتی و از کالاهای صادراتی عمده می‌توان به نفت و مشتقات آن، خرما، ماهی، سنگ‌های گوناگون معدنی و انواع میوه‌جات؛ به ویژه مرکبات اشاره نمود. دولت‌های مهم طرف معامله با عمان، ژاپن، انگلستان، امارات متحده عربی، آمریکا و آلمان می‌باشند (Britanica book of the year, ۱۹۹۰: p۶۸۹).

واحد رسمی پول عمان ریال است که به یکهزار بیسه تقسیم می‌شود. کل درآمد کشور عمان در سال ۱۹۸۵ بالغ بر ۳/۴۵۶ میلیون ریال عمان بوده است (یگانه، ۱۳۷۴، ص ۴۹).

## سیری در روابط ایران و عمان از آغاز تا عصر پهلوی

سرزمین کوچک و دورافتاده امروزی عمان، روزگاری در تعامل تنگاتنگ با امپراطوری ایران، تأثیرات شگرفی بر مجموع تحولات منطقه خلیج فارس و دریای عمان داشته است. روابط و پیوندهای تاریخی ایران و عمان به سده‌های پیش از میلاد بازمی‌گردد. از دوران تشکیل حکومت‌های آریایی قدرتمند در ایرانشهر، تفکیک ارضی، سیاسی و اداری مشخصی را نمی‌توان میان دو سرزمین یافت و این بخش نیز مانند سایر مناطق جنوبی تنگه هرمز و شبه جزیره عربستان همواره زیر تسلط و حاکمیت ایرانیان بوده است. روابط و پیوندهای اداری، تجاری و فرهنگی ایران و سرزمین عمان حداقل از هزاره اول قبل از میلاد به صورت مستمر و عمیق برقرار شد و تداوم یافت. ظهور سلسله هخامنشی، مرزهای ایران را در ضلع جنوبی خلیج فارس، و دریای عمان مستحکم نمود. سراسر منطقه کرانه‌ای جنوب خلیج فارس جناح جنوبی امپراطوری پارس را تشکیل می‌داد. «هرودوت» کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان، سواحل و جزایر مقابل، امارات مهم و عمان را جزئی از «ساتراپی چهاردهم» دولت هخامنشی می‌داند (پیرنیا، ۱۳۷۰: ص ۱۴۷۴). ساکنان اولیه بخش‌های جنوبی خلیج فارس باید همان ایرانیان عصر هخامنشی باشند (مجتهدزاده، ۱۳۷۵: صص ۱-۲).

پس از فروپاشی امپراطوری هخامنشی و ظهور سلوکیان روابط و پیوندهای دو جانبه ادامه یافت. به روایت «کنت کورث» پس از مرگ اسکندر و نیابت سلطنت «پردیکاس»، رؤسای مردمان ساکن در سواحل اقیانوس هند و دریای عمان در مناصب خود ابقا گردیدند (پیرنیا، ۱۳۷۰: ص ۱۹۷۸).

«انتیوخوس چهارم» در یک قدرت نمایی مستقیم و به منظور تأمین امنیت کشتی رانی در خلیج فارس بر عمان و کرمانیه در جنوب شرقی ایران استیلا یافت و پایگاه‌های نظامی در این مناطق بر پا گردید (گوشمید، بی تا: ص ۶۲).

در روزگار اشکانیان نیز تمامی سواحل شرقی عربستان و عمان، جزیی از خاک ایرانشهر به شمار می‌آمدند (تقی زاده، ۱۳۴۹: ص ۳۵). در این دوره که تجاوز سیاه پوستان به سواحل خلیج فارس تشدید شده بود دولت پارتی ناگزیر به لشکرکشی به عمان و

تصرف کامل آن و تنبیه مهاجمان شد (اقبال آشتیانی، ۱۳۲۸: صص ۱۶۹۵۱). در عصر ساسانیان به تمامی مناطق عمان و یمن «یمنستان» گفته می‌شد (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۰: صص ۲۶۶). شاهپور اول در کتیبه «کعبه زردتشت» عمان و «مزون» را جزئی از امپراطوری خود می‌داند (یارشاطر و دیگران، ۱۳۷۷: صص ۱۲۹). انوشیروان در سال ۵۴۲ میلادی با هدف تصرف نقاط آباد و استراتژیک شبه جزیره عربستان، قوای دریایی بزرگی را به عمان اعزام نمود که این سپاه تا «رأس الحد» عمان پیش رفته و این حدود را به تصرف خود در آوردند (یگانه، ۱۳۷۴: صص ۵-۷۴).

سرزمین عمان در دوره ساسانیان بخشی از پایگاه‌های برون مرزی ایران و حلقه ارتباطی در زنجیره‌ای از مواضعی بود که شاهنشاهان ایران می‌کوشیدند با استفاده از آن، بازرگانی اقیانوس هند را زیر نظارت خود بگیرند و موقعیت خود را در «عربستان سعید» تحکیم بخشند (یارشاطر و دیگران، ۱۳۷۷: صص ۷۱۶).

با سقوط ساسانیان و انتشار اسلام، پیوندهای دو جانبه رو به گسستگی نهاد اما با ظهور حکومت‌های متقارن ملی، عمان همچنان در دایره توجهات و علایق سیاسی و نظامی و اقتصادی سلاطین ایران قرار گرفت. «ناصر خسرو» در سفر نامه خود به حکومت «صفاریان» در عمان اشاره نموده است (ناصرخسرو، ۱۳۵۶: صص ۱۰۷).

همچنین شهریاران دیلمی «آل بویه» امارات سرتاسر خلیج فارس را به اطاعت خود درآوردند. در روزگار امیر «عضدالدوله» نفوذ ایران علاوه بر سرزمین عمان در یمن نیز بسط و گسترش یافت (فقیهی، ۱۳۵۶: صص ۱۶۸).

در دوره عناصر ترک نژاد، روابط میان ایران و سرزمین عمان کاهش یافت. مهم‌ترین علل تنزل پیوندهای سنتی به ویژه در آغاز این دوران، بی‌توجهی حاکمان ترک به قدرت دریایی، دور بودن پایتخت‌ها از مناطق جنوبی و شرایط ویژه آب و هوایی - که برای سربازان ترک نقاط سردسیر غیرقابل تحمل بود و همواره رطوبت و گرما آنان را از اقامت دائمی در سرحدات خلیج فارس و دریای عمان منصرف می‌ساخت - بود. با ظهور «سلاجقه» پیوندهای گذشته تداوم یافت؛ امری که شاخه سلاجقه کرمان در آن نقش مهمی را ایفا نمود. «ملک قاورد» یا «عمادالدین قره ارسلان» پسر بزرگ «چغری بیگ سلجوقی»

به کمک نیروی دریایی فرماندار هرمز، عمان را تصرف کرد و آن را خراجگزار ایران نمود (صدرالدین ناصرالحسینی، ۱۳۸۰: ص ۸۹).

حاکمیت سلاجقه کرمان بر مناطق دریایی جنوب شرقی ایران و عمان تا سال ۵۸۳ هجری پابرجا ماند (خصیبی، ۱۳۴۳: صص ۱۱-۱۰).

در عصر خوارزمشاهیان و همزمان با ظهور دولت مغول، حوزه اداری و سیاسی حکومت «سلطان محمد خوارزمشاه» در اوج قدرت و وسعت امپراطوری، در جنوب تا عمانات گسترش یافته بود (مدرسی زنجانی، ۱۳۳۸: ص ۳۴۰).

پس از ایلغار مغول، روابط ایران و عمان از راه اتابکان فارس ادامه پیدا کرد. در سال ۶۷۰ هجری، ایلخانان، شورش جزایر «قلهات» و عمان را سرکوب نموده، فرامین دولت مرکزی را در این مناطق استوار ساختند (اقبال، ۱۳۶۵: ص ۳۹۲).

با انقراض سلسله هولاکوئیان در سال ۷۳۶ هجری، پاره ای از حکومت های مستقل متقارن از جمله «آل مظفر» در کرمان و فارس، «اینجویان» در فارس و به ویژه دولت دریایی هرمز پیوندهای نزدیک و سنتی خود را با سرزمین عمان حفظ نمودند؛ چنانکه «فضلویان» هرمز، سراسر کرانه های خلیج فارس از جمله قلهات و عمان را تابع خود ساختند (اشپولر، ۱۳۵۱: صص ۴-۱۵۳).

همزمان با ظهور صفویان، عمان در تملک حکام هرمز قرار داشت. اینان که از سده پنجم هجری بر مناطق دریایی جنوب حکومت می کردند، همیشه خراجگزار دولت مرکزی ایران بودند. در زمان حکومت «شاه اسماعیل اول» تکاپوهای استعماری امپراطوری پرتغال در منطقه خلیج فارس آغاز گردید. این دگرگونی سیاسی و نظامی، تنزل حاکمیت ایران بر عمان را در پی داشت؛ امری که از زمان بنیانگذاری دولت صفوی تا ابتدای حکومت «شاه عباس اول» استمرار یافت. پیدایش عصر طلایی شاه عباس گسترش قدرت دریایی وی و تصرف جزایر هرمز «صحار» و «خورفکان»، معادله و موازنه قدرت را به نفع ایران در حوزه خلیج فارس و عمان تغییر داد (فلسفی، ۱۳۴۲: ص ۱۶).

در زمان حکومت «شاه عباس دوم» جنبش ضد استعماری مردم عمان به حیات یکصد و پنجاه ساله استعمار پرتغال پایان داد و خاندان نو ظهور «آل ابوسعید» در سایه

قدرت دریایی و ضعف دولت های مرکزی ، حملات و دست اندازی های خود را به سواحل و بنادر ایران تشدید نمودند، این دگرگونی به ویژه در دوره «شاه سلطان حسین صفوی» کاملاً مشخص بود (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲:ص ۳۱).

بدین ترتیب رویارویی دو کشور بر تعاملات و پیوندهای پیشین سایه انداخت. با ظهور سلسله «افشاریه» سیاست تقویت و توسعه نفوذ ایران در منطقه عمانات احیا گردید. نیروهای «نادرشاه» به درخواست «امام سیف بن سلطان» در سال ۱۱۴۰ هـ ق / ۱۷۲۸ به عمان گسیل شده، با سرکوب مخالفان، «خورفکان» ، «رأس المسندام» و «ظفار» را به تصرف خود درآوردند (شعبانی، ۱۳۶۹:صص ۴-۴۲۱).

در عصر «کریم خان زند» با وجود تداوم پیوندهای تاریخی ، روابط طرفین به صورتی خصمانه و بدبینانه جریان داشت و حملات به بنادر و بحریه یکدیگر بارها صورت گرفت؛ با این حال «عبدالرازق بیگ دنبلی» عمان را خراجگزار ایران می داند (دنبلی، بی تا:ص ۳۱). مرگ کریم خان در سال ۱۷۷۹/۱۱۹۳، تکاپوهای ایران را برای اعاده حیثیت، نفوذ و حاکمیت سنتی در خلیج فارس و دریای عمان به شدت کاهش داد و تجاوزات امامان عمان به سواحل جنوبی و شمالی تنگه هرمز افزایش یافت. اجاره دادن برخی از بنادر ایران در عصر قاجاریه، به حاکمان عمان امکان داد تا به بسط و گسترش نفوذ و تحرکات سیاسی و اقتصادی و نظامی پردازند و با ظلم و ستم بر بومیان، تحرکات مأموران دولتی اعزامی از مرکز را به شدت محدود کنند. در ربیع الاول ۱۲۷۱، «عبدالباقی میرزا» فرزند «مؤیدالدوله» حکمران فارس به همراه «عبدالله خان قراگوزلو» و گروهی از سربازان همدانی ، در یک نبرد شدید نیروهای مهاجم «سلطان سعید بن سلطان» را شکست داده، از بندر عباس و توابع آن اخراج نمود (شمیم، ۱۳۷۰:ص ۲۳۹).

پیوندهای تاریخی میان ایران و عمان پس از عصر ناصری با وجود کوشش هایی که دولت های مشروطه با هدف اعاده قدرت دریایی در حوزه خلیج فارس صورت دادند، به تدریج گسسته شد؛ امری که بحران های تضعیف کننده دوران «محمد علی شاه» و «احمد شاه» آن را تشدید نمود؛ با این حال همواره رگه هایی از روابط و علائق سنتی میان دو سرزمین وجود داشته است؛ بدون اینکه پشتوانه ای از برنامه ای هدقمند داشته باشد.



## روابط ایران و عمان در دوره پهلوی دوم

## ۱. روابط سیاسی

روابط ایران و عمان در دوره پهلوی اول با وجود کوشش هایی که برای افزایش نقش آفرینی ایران در منطقه خلیج فارس و دریای عمان صورت گرفت، به برخی مرادوات اقتصادی غیر سازمان یافته و دیپلماتیک، به شکل رفت و آمد لنج ها و قایق های باری و مسافربری کم اهمیت و مبادله کالاهایی چون البسه و منسوجات، میوه جات، سبزیجات، مواد غذایی، مروارید، چوب والوار، اسلحه، ماهی و پیوندهای فامیلی و فرهنگی، به ویژه در بخش های جنوب شرقی محدود بود (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۰: ص ۲۴۲).

این وضعیت از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ و از ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۴۹ ش، همچنان بر روابط طرفین حکمفرما بود و هیچگونه کوشش همه جانبه و چشمگیری برای بهبود روابط و خروج از این رکود طولانی صورت نگرفت. بخش عمده ای از این وضعیت نابود کننده علاوه بر توسعه نفوذ استعماری بریتانیا در خلیج فارس وضعف های ساختاری در سیاست خارجی ایران، به سیاست درهای بسته و انزوای کامل عمان در دوران حکومت ۳۸ ساله «سلطان سعید بن تیمور» (۱۹۳۲ تا ۱۹۷۰) باز می گشت. مبارزه بی امان او با ورود مظاهر فرهنگ و تمدن به کشور و محدودیت در ایجاد روابط خارجی، سبب گردید تا به هنگام سرنگونی حکومت وی در سال ۱۹۷۰ کشور عمان تنها با سه دولت انگلستان، هندوستان و پاکستان روابط دیپلماتیک داشته باشد (همان، ص ۲۴۲).

سیاست ارتجاعی و استبداد حاکم بر عمان باعث گردید که دولتمردان حکومت پهلوی نیز برای برقراری روابط با عمان و گسترش آن رغبت و تمایل زیادی نداشته باشند (علم، ۱۳۷۱: صص ۱۱۲-۱۱۱).

در ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۰ پس از یک سلسله فعل و انفعالات سیاسی «سلطان سعید بن تیمور» در جریان یک کودتای آرام از سلطنت خلع گردید و «قابوس» پسرسی ساله او بر اریکه قدرت دست یافت (همان، ص ۱۱۲).

کودتای ژوئیه ۱۹۷۰ نقطه عطفی در روابط خارجی ایران و عمان بود و عصر نوزایی را در مرادوات فراموش شده و راکد طرفین به دنبال داشت. سلطان قابوس در شهریور

۱۳۴۹ در تلگرافی به شاه ایران با اشاره به دگرگونی های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در کشور خود حمایت و تأیید تهران را خواستار گردید. این پیام را شاید بتوان نخستین جرقه در برقراری روابط دیپلماتیک و رسمی دو جانبه دانست. دولت ایران که پس از خروج عناصر انگلیسی از خلیج فارس و افزایش توانمندی اقتصادی و نظامی حاصل از فروش نفت و تحکیم هرچه بیشتر روابط با آمریکا، درصدد توسعه نقش آفرینی خود در حوزه استراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز، آبراهی که بخش جنوبی آن در تملک عمان قرار داشت، بود، به سرعت از این پیام استقبال نمود. سفیر ایران در کویت، مأمور سفر به عمان گردید و در ۱۳ مهر ۱۳۴۹ پیغام دوستی شاه را به سلطان قابوس تسلیم نمود. این مأموریت نخستین مسافرت یک سیاستمدار بلند پایه ایرانی به ویژه در دوره پهلوی پس از یک سده رکورد در مناسبات طرفین بود. در جریان این سفر، آمادگی دولت شاهنشاهی برای برقراری روابط همه جانبه سیاسی و اقتصادی با سلطان نشین عمان به مقامات آن کشور ابلاغ گردید (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۰: ص ۲۵۹).

در مرداد ۱۳۵۰ شاه نخستین سالگرد سلطنت سلطان قابوس را با ابلاغ پیامی تبریک گفت و سرانجام در چهارم شهریور ۱۳۵۰ دولت ایران در یک اطلاعیه رسمی برقراری روابط سیاسی بین دو کشور و تبادل قریب الوقوع سفیر را اعلام نمود. همچنین سلطان قابوس دعوت ایران را برای شرکت در جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی پذیرفت (اطلاعات، ۱۳۴۹/۵/۴: ص ۲).

در فروردین ۱۳۵۰ «بهمن زند» به عنوان نخستین سفیر ایران استوار نامه خود را در «مسقط» به سلطان قابوس تسلیم کرد. دولت عمان نیز «اسماعیل خلیل ارضاصی» را به سمت کاردار سفارت به ایران معرفی نمود که در بهمن ۱۳۵۲ به سطح سفارت ارتقاء یافت (آیندگان، ۱۳۵۱/۴/۱: ص ۱). ارضاصی اعلام نمود که ایران از نخستین کشورهایی است که حکومت جدید مسقط در آن نمایندگی سیاسی تأسیس کرده است (همان). «ثوینی بن شهاب» مستشار عالی سلطان قابوس در ۲۵ تیر ۱۳۵۱ به دعوت «عباسعلی خلعتبری» وزیر امور خارجه برای یک دیدار رسمی شش روزه به ایران وارد شد و با شاه و «امیر عباس

هویدا « نخست وزیر و خلعتبری دیدار کرد و در زمینه مسائل مختلف سیاسی و اقتصادی با آنان به تبادل نظر پرداخت (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۱: ص ۵۳).

در ۲۸ بهمن ۱۳۵۱ «حمد حمود» رئیس دیوان عمان به ایران مسافرت کرد. در اوایل اسفند همین سال سناتور «عباس مسعودی» در یک ملاقات خصوصی در مسقط با سلطان قابوس به گفتگو پرداخت (اطلاعات، ۱۳۵۲/۱۲/۹: ص ۱). با تحکیم پیوندهای طرفین، سلطان قابوس به دعوت رسمی شاه، از روز شنبه ۱۱ تا جمعه ۱۷ اسفند ۱۳۵۲/۲ تا ۸ مارس ۱۹۷۴ از ایران دیدار کرد (همان). سلطان قابوس را در این سفر «سید طارق بن تیمور» «قهر بن تیمور»، «قیس الزواوی»، وزیر مشاور در امور خارجی وعده ای دیگر از شخصیت های برجسته سیاسی اقتصادی و نظامی عمان همراهی می نمودند. سلطان قابوس علاوه بر دیدار با شاه با امیر عباس هویدا و عباسعلی خلعتبری نیز به رایزنی پرداخت (اطلاعات، ۱۳۵۲/۱۲/۱۳: ص ۴). به دعوت عباسعلی خلعتبری «قیس عبدالمنعم الزواوی» از تاریخ ۲ تا ۵ مرداد ۱۳۵۳ از تهران دیدار کرد. الزواوی برای ابلاغ پیام سلطان قابوس و تبادل نظر دو بار دیگر در این سال با شاه ملاقات نمود (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۵، ص ۳۸).

در آبان ۱۳۵۳ ثوینی بن شهاب مستشار مخصوص سلطان عمان و استاندار مسقط در رأس یک هیئت عالی رتبه برای انجام برخی مذاکرات با شاه و سایر مقامات به ایران عزیمت کرد (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۴: ص ۶۵).

توسعه بی سابقه روابط سیاسی اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور در سال ۱۳۵۳ همزمان با خونین ترین و سنگین ترین نبرد های سربازان ایرانی در جبهه ظفار بود که تمامی تحولات مابین دو کشور شدیداً از آن تأثیر می پذیرفت .

در تاریخ ۱۰ تا ۱۵ شهریور ۱۳۵۴ سلطان قابوس یک دیدار غیر رسمی از ایران انجام داد (همان، ص ۴۰).

قیس الزواوی وزیر امور خارجه عمان نیز در همین سال دو بار به ایران مسافرت کرد و با شاه و سایر مقامات دولت شاهنشاهی ملاقات نمود (همان).

« خسروافشار » از آبان ۱۳۵۴ تا دی همین سال سمت سفیر ایران را در مسقط به عهده گرفت و به جای « بهمن زند » که از آغاز روابط دیپلماتیک تا این تاریخ سمت مورد نظر را داشت به فعالیت پرداخت. « علی خرده » نیز از دی ۱۳۵۴ تا خرداد ۱۳۵۷ این وظیفه را انجام داد که اوج روابط سیاسی دوجانبه بود. (۵۸) در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۵ « صادق سلیمان » سفیر جدید عمان با تسلیم استوار نامه خود به شاه، به طور رسمی به کار مشغول گشت (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۵: ص ۴۰).

سلطان قابوس در ۲۴ خرداد ۱۳۵۶ برای انجام یک دیدار خصوصی دو روزه به ایران عزیمت نمود و در کاخ نخست وزیری مورد استقبال قرار گرفت (آرشیو اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۱۳-۶۹۲-۱۴۵). سلطان قابوس در جریان این سفر از شاه برای انجام یک دیدار رسمی از عمان همزمان با جشن های ملی ماه نوامبر دعوت نمود. سر انجام پس از تهیه مقدمات فراوان و رایزنی های گسترده سیاسی و امنیتی شاه از تاریخ دوشنبه ۱۴ تا پنج شنبه ۱۷ آذر ۱۳۵۶ در رأس یک هیئت بلند پایه ۱۲ نفره در میان استقبال گسترده و تشریفات کامل از عمان دیدار کرد. در این مسافرت خلعتبری وزیر امور خارجه، « امیر ارسلان افشار » رئیس کل تشریفات دولت شاهنشاهی، شاه را همراهی نمودند (همان منبع، سند شماره ۱۷۲-۹۷۲-۱۴۵ هـ).

سلطان قابوس این رویداد را موجب مسرت بسیار خود دانست و آن را یک واقعه تاریخی مهم در روابط خارجی دو کشور محسوب کرد (رستاخیز، ۱۳۵۶/۹/۶: صص ۲-۱). سفر شاه در روز پنج شنبه ۱۷ آذر با تأکید بر تفاهم و توافق کامل و علاقه مندی به تداوم مناسبات پیشین به پایان رسید (آرشیو اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۱۶۸-۹۷۳-۱۴۵ هـ). این اولین و آخرین سفر شاه به سرزمین عمان بود.

در خرداد ۱۳۵۷ « حسن ایزدی » به سفارت ایران در مسقط برگزیده شد که تا فروردین ۱۳۵۸ این وظیفه را بر عهده داشت (وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹: ص ۵۴).

قیس عبدالمنعم الزواوی، وزیر مشاور در امور خارجی عمان نیز در ۲۴ مهر ۱۳۵۷ و در اوج تحولات انقلاب در تهران با شاه دیدار کرد و ضمن تشکر و قدردانی از حمایت های نظامی و اقتصادی ایران پیام سلطان قابوس را ابلاغ نمود (رستاخیز، ۱۳۵۷/۷/۲۵: صص

۱-۲). این مسافرت را شاید بتوان جزیی از آخرین مراحل روابط بسیار مستحکم سیاسی ایران و عمان در دوره پهلوی دوم دانست.

## ۲. روابط اقتصادی

با انجام کودتای ژوئیه ۱۹۷۰ روابط اقتصادی میان ایران و عمان که در اشکال داد و ستدهای محدود محلی ساحلی جریان داشت، وارد مرحله جدیدی گردید. عمان از همان آغاز از سرگیری روابط، در خواست حمایت اقتصادی و کمک تهران به بازسازی تأسیسات زیر بنایی خود را مطرح نمود. پس از آن تبادل فراوان نمایندگی های اقتصادی کاملاً مشهود شد. سلطان قابوس در نخستین پیام خود به شاه در شهریور ۱۳۴۹ گسترش روابط اقتصادی و تجاری را خواستار شد. وی به هنگام دیدار از ایران در اسفند ۱۳۵۲، از برخی مراکز اقتصادی از جمله کارخانه خود روسازی «ایران ناسیونال» بازدید نمود (اطلاعات، ۱۳۵۲/۱۲/۱۳: ص ۴).

در آبان و بهمن ۱۳۵۲ شعباتی از شرکت سهامی بیمه و بانک ملی ایران در مسقط شروع به کارکرد (اطلاعات، ۱۳۵۲/۱۲/۱۲: ص ۲۱).

در ۲۸ اسفند ۱۳۵۲ پرواز های مقدماتی شرکت هوایمایی ملی ایران (هما) به مسقط آغاز گشت و از ۱۳ فروردین ۱۳۵۳ به طور رسمی افتتاح گردید.

قیس عبدالمنعم الزواوی در مرداد ۱۳۵۳ موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره دو کشور را در جریان سفر به ایران امضا کرد. براساس این موافقتنامه پنج ماده ای که اسناد مربوط به آن در تاریخ ۱۳۵۴/۳/۷ به طور رسمی مبادله گردید و نقش مهمی در برطرف نمودن اختلافات مرزی دو کشور و توسعه فعالیت های اقتصادی به ویژه امور نفت و گاز داشت، «خط منصف» مورد توافق طرفین قرار گرفت (وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸: ص ۸۳).

در ۱۴ تا ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۳ «جان تاونزد» مشاور اقتصادی سلطان قابوس و از تاریخ ۴ تا ۸ تیر همین سال «کریم احمد الحرمی» وزیر برنامه و توسعه عمان از ایران دیدار کردند و در زمینه توسعه روابط اقتصادی و ایجاد یک سازمان مشترک طراحی و برنامه ریزی، گفتگو نمودند (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۳: ص ۵۳).

تأسیس یک شرکت مشترک ماهیگیری، توسعه صید ماهی و چگونگی بهره برداری صحیح از منابع دریایی خلیج فارس و دریای عمان نیز در جریان سفر «یوسف العلوی عبدالله» معاون امور خارجه عمان در بهمن ۱۳۵۳ مورد بررسی و موافقت قرار گرفت (همان).

همگام با این تحولات اقتصادی نیروهای ارتش ایران در کنار عملیات نظامی به فعالیت های عمرانی متعددی در عمان اقدام نمودند. مهندسان ایرانی با استفاده از ماشین آلات ترابری به ویژه در امور ترمیم و گسترش شبکه ارتباطی که نبود آن نقش مهمی را در عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی مردم عمان ایفا می کرد به کار پرداختند (پیغام امروز، ۱۳۵۴/۱۱/۱۶:ص ۲).

احداث جاده ۵۰ کیلومتری «جانوک» و «فیوریوس» در بخش شرقی به مرز یمن جنوبی (کیهان، ۱۳۵۴/۹/۳:صص ۲-۱)، و آسفالت راه استراتژیک «صلاله» به «میدوی» به طول ۸۲ کیلومتر (رستاخیز، ۱۳۵۴/۴/۱۴:ص ۱۳)، از دیگر اقدامات نظامیان ایران در امر راه سازی در عمان بود.

بخش دیگری از فعالیت های اقتصادی ارتش ایران در عمان در برنامه موسوم به «مردم یاری» با توزیع مواد غذایی، دارویی و بهداشتی و غیره صورت می پذیرفت. توسعه زیر ساخت های اقتصادی عمان همواره در دستور کار شاه و دولت ایران بود؛ امری که شاه از آن به عنوان ابزاری مطمئن در کاهش مخالفت ها و اعتراضات مردمی یاد می کرد؛ چنانکه به هنگام دیدار با سلطان قابوس در سال ۱۳۵۲ در تهران گفت: «باید در این فرصت متذکر شوم که به عقیده ما تأمین امنیت کشور شما نه فقط مستلزم برخورداری از قدرت نظامی است بلکه لازم است بهبودی در وضع زندگی مردم نیز صورت گیرد» (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۵: ص ۸۹).

همچنین در گفتگو با حکمران «فجیره امارات» در آبان ۱۳۵۴ تأکید کرد: «دولت عمان باید برای مردم شغل، غذا، و پوشاک تهیه کند و با کشور های خارجی پیمان همکاری منعقد نماید» (آرشیو اسناد ریاست جمهوری، سند شماره ۱۹۷-خ).

با توسعه روابط همه جانبه اقتصادی که به تدریج در تمامی بخش های صنعتی ، کشاورزی ، دامداری، دارویی، آب رسانی، بنادر ، کشتیرانی ، فرودگاه و رادیو و تلویزیون نمودار گشت، حجم مبادلات بازرگانی دو جانبه افزایش چشمگیری یافت. ایران در بین کشور های صادر کننده کالا به عمان در سال ۱۳۵۲ که هنوز روابط در سطوح ابتدایی قرار داشت، مقام ششم را به دست آورد (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۵: ص ۳۸).

واردات ایران از عمان از میزان ۱۴/۱۲۶/۰۸۹ کیلوگرم در سال ۱۳۵۱ به ۳/۰۲۲/۱۶۱ کیلوگرم در سال ۱۳۵۶ رسید در حالی که میزان صادرات از ۳۲/۱۹۷/۵۳۴ کیلوگرم در ۱۳۵۱ به ۱۵/۵۵۷/۶۴۹ کیلوگرم در سال ۱۳۵۶ رسید که نموداری پرفراز و نشیب را نشان می دهد (موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی ایران، ۱۳۶۳: ص ۸۵).

بخش عمده ای از کمک های اقتصادی ایران به عمان نیز به صورت بلاعوض صورت می گرفت که در آمارهای رسمی ثبت نشده است.

### ۳. روابط فرهنگی

روابط فرهنگی میان ایران و عمان در دوره پهلوی دوم، همگام با سایر تحولات سیاسی و اقتصادی دو جانبه شکل گرفت و گسترش یافت. در دی ۱۳۴۹ یک هیئت مطبوعاتی مرکب از نمایندگان جراید مهم ایران از جمله روزنامه های کیهان ، اطلاعات و آیندگان برای آشنایی با دگرگونی های سیاسی ، اقتصادی، نظامی و فرهنگی به عمان رهسپار شدند. این نخستین همکاری فرهنگی میان دو کشور پس از مدت ها رکود روابط بود (وزارت امور خارجه، ۱۳۴۹: ص ۷۸).

قیس عبدالمنعم الزواوی در چهارم مرداد ۱۳۵۳ در جریان سفر به تهران یک معاهده فرهنگی امضا کرد که بر اساس آن، تدارک تسهیلات برای بازدید دانشمندان ، استادان، دانشجویان و اعضای انجمن های فرهنگی دو کشور ، اعطای بورس های تحصیلی و کارآموزی ، تعیین ارزش گواهینامه های تحصیلی و مدارج علمی از سوی دانشگاه ها و آموزشگاه های دو کشور پیش بینی شده بود (همان، ص ۵۳).

به دنبال انعقاد این موافقتنامه فرهنگی هیئتی مرکب از ۲۶ نفر از کارکنان تلویزیون تازه تأسیس عمان در دوازدهم مرداد ۱۳۵۳ به تهران آمدند و یک دوره آموزشی چهار ماهه را در رشته های مختلف مدرسه عالی تلویزیون و سینما گذراندند (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۵: ص ۳۹).

«سالم سعید السیابی» معاون وزیر اطلاعات عمان نیز در همین سال به ایران مسافرت کرد و درباره تبادل برنامه های تولیدی و نحوه همکاری بیشتر بین سازمان های رادیو و تلویزیون دو کشور با مقامات مربوط به گفتگو پرداخت (همان، ۳۸).

در یازدهم مرداد ۱۳۵۴ اسناد موافقتنامه های فرهنگی دو دولت رسماً مبادله گردید (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۴: ص ۴۰).

«سید فهد بن محمود آل سعید» وزیر اطلاعات و فرهنگ عمان، به دعوت وزیر اطلاعات و جهانگردی ایران در مهر ۱۳۵۴ در رأس هیئتی به تهران مسافرت نمود و با شاه و «مهرداد پهلبد» و «غلامرضاکیانپور» وزیر فرهنگ و هنر و اطلاعات دولت شاهنشاهی مذاکره کرد (همان، ص ۶۵).

بخش عمده ای از فعالیت های فرهنگی ایران و عمان با تأکید بر ارتقای کیفیت صدا و سیما، حکومت مسقط برای مقابله تبلیغاتی و روانی با چریک های جبهه خلق ظفار و یمن جنوبی و پوشش خبری اقدامات نظامی و اقتصادی عمرانی صورت می پذیرفت. در دی ۱۳۵۳ به دستور مستقیم شاه، تعدادی از خبرنگاران داخلی و ارباب جراید به منظور مشاهده، ثبت و گزارش پیروزی های ارتش شاهنشاهی به عمان اعزام شدند (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۱۴، ۲۸، ۱۲۰۵، ۱۳۵۳).

در ابتدای بهمن همین سال، کارشناسان وزارت اطلاعات جهانگردی و خبرگزاری پارس و تعدادی عکاس و خبرنگار با هدف پوشش اخبار جنگ و کمک فنی به توسعه رادیو و تلویزیون عمان به مسقط و منطقه جنوبی آن کشور مسافرت نمودند (همان منبع، کارتن ۱۴، پرونده ۲۰۵، ۱۱/۱۶، ۱۳۵۳).



در بهمن ۱۳۵۳ «محمود جعفریان» رئیس خبرگزاری پارس، «عبدالرزاق عماد زاده» از رادیو و تلویزیون ملی ایران و تعدادی از کارشناسان مخابرات اداره دوم ستاد ارتش از عمان دیدار کردند (همان، کارتن ۱۴، پرونده ۲۰۵، ۱۳۵۳/۱۱/۱۴).

دولت ایران پس از اجرای برنامه های عمرانی سلطان قابوس، نقش فراوانی در بنیاد و توسعه آموزش و پرورش آن ایفا نمود. بخش هایی از فعالیت های مدرسه سازی و تهیه برخی از دستگاه های چاپ کتاب های درسی را ایران انجام می داد. همچنین با کمک مادی و معنوی تهران روزنامه های متعددی به زبان های عربی و انگلیسی در زمینه های گوناگون سیاسی اجتماعی و اقتصادی برای نخستین بار در عمان انتشار یافتند که می توان به انتشار نشریات «عمان» و «العقیده» اشاره نمود (اطلاعات، ۱۳۵۲/۸/۲۷: ص ۳).

#### ۴. روابط نظامی

روابط نظامی و امنیتی از مهم ترین موارد همکاری های ایران و سلطنت عمان در دوره پهلوی دوم است. این بخش آن چنان پررنگ و برجسته بود که همواره در مطالعات روابط خارجی بین دو کشور، سایر موارد سیاسی اقتصادی و فرهنگی راتحت الشعاع قرار می دهد. در سال ۱۹۶۵ م ۱۳۴۴ش، گروهی از مخالفین سلطان سعید بن تیمور پادشاه عمان، جبهه آزادی بخش ظفار یا جبهه التحریرالظفار را بنیان گذاری نمودند و در ۹ ژوئن ۱۹۶۵ که روز انقلاب نیز نامیده شد، نخستین عملیات تهاجمی جبهه انجام گرفت (PETERSON, ۱۹۷۵: P۲۸۲).

دیکتاتوری طولانی سلطان سعید بن تیمور و استعمارامپراطوری بریتانیا از مهم ترین عوامل شکل گیری این جنبش بود. جبهه ظفار با وجود مشکلات فراوان توانست در مدت اندکی با استفاده از حمایت های محلی و ضعف نظامی دولت مرکزی، مناطق عمده ای از جنوب عمان را به تصرف خود در آورد.

در سال ۱۹۶۹م، ۱۳۴۸ش، پس از نبرد های سنگین و خونین، جاده الاحمر یا جاده سرخ به تصرف چریکهای ظفار در آمد (چمنکار، ۱۳۷۹: ص ۱۴).

این جاده، صلاله مرکز استان ظفار را طی یک مسیر ۱۰۲۳ کیلومتری به مسقط متصل می‌ساخت. باتصرف جاده سرخ تنها راه ارتباطی عمده که صلاله را به جهان خارج پیوند می‌داد قطع شد و مرکز ظفار در محاصره قرار گرفت. پس از این تنها از طریق هوا و دریا امکان کمک و دسترسی به صلاله ممکن بود. در نهایت تا اوایل سال ۱۹۷۰م، ۱۳۴۹ش بیش از ۹۰٪ از منطقه ظفار به کنترل جبهه خلق درآمد و فعالیت شرکت های نفتی خارجی نیز کاملاً متوقف گردید (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، جعبه ۲۱، پرونده ۲، بخش ۹)، (چمنکار، ۱۳۸۳: ص ۲۱۵).

با کودتای ۱۹۷۰م، ۱۳۴۹ش و جلوس سلطان قابوس بن سعید، مقدمات همکاریهای نظامی بین ایران و عمان و مداخله ارتش شاهنشاهی در ظفار فراهم آمد. به دعوت عباسعلی خلعتبری وزیر امور خارجه ایران، ثوینی بن شهاب مستشار عالی سلطان قابوس در تاریخ ۱۳۵۱/۴/۲۵ برای یک دیدار شش روزه به ایران مسافرت کرد. در این دیدار برای نخستین بار مسئله حمایت دولت پهلوی از عمان در نبرد با چریک‌بهای ظفار مطرح شد، (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۱: صص ۴۵ و ۴۸)، (چمنکار، ۱۳۸۲: ص ۶۴). از این تاریخ مسئله ظفار روابط دو کشور را کاملاً تحت الشعاع خود قرار داد.

براین اساس دولت مسقط به صورت رسمی خواستار اعزام نیروهای نظامی ایران به جنوب عمان و سرکوب شورشیان گردید (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۲۶۴۵-س-۱۳۵۴/۹/۱۴).

روزنامه آیندگان ملی نوشتاری با عنوان «نیازمندیهای عمان و کمک های ایران» در

این باره نوشت:

«سید ثوینی بن شهاب، طی ملاقاتی با هویدا و خلعتبری در مورد مسائل اقتصادی و شورش ظفار گفت و گو کرد. با توجه به اینکه آخرین نقطه خاک سلطنت عمان در خلیج فارس، یعنی رأس المسمندام تنها ۳۷ کیلومتر با ایران فاصله دارد اهمیت عمان برای ما بسیار حائز اهمیت است» (آیندگان، ۱۳۵۱/۴/۲۹، صص ۱۰۱ و ۱۱).

مقارن با نخستین تکاپوهای دولت پهلوی برای مداخله در ظفار، حکومت سلطان

قابوس در خطرناک ترین برهه از ادوار حیات خود به سر می برد و بر اساس اسناد

محرمانه وزارت امور خارجه ایران، در تقابل با چریک‌ها که در نتیجه حمایت شوروی ، چین ، کشورهای بلوک شرق و دول چپ گرای عرب به ویژه عراق ، مصر ، یمن جنوبی ، سوریه و لیبی به توانمندی گسترده ای رسیده بودند، در سرایشی کامل سقوط قرار داشت (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، جعبه ۲۱، پرونده ۲، بخش ۹).

در اجرای موافقت نامه منعقد مابین ثوینی بن شهاب و دولتمردان ایران، در ۱۳۵۱/۱۰/۱۴ نخستین یگان های نظامی متشکل از مشاورین نظامی و امنیتی و برخی ادوات جنگی به وسیله پنج فروند هلی کوپتر به عمان اعزام شدند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، بولتن ۲۹۰، ۱۳۵۲/۱/۱۴).

در سال ۱۳۵۲ش/۱۹۷۳م، به تدریج بر تعداد نفرات ارتش ایران در ظفار افزوده گشت. بخش فارسی رادیو لندن در اخبار ساعت ۹/۴۵ دقیقه شامگاه ۹ دی ماه ۱۳۵۲ به نقل از جبهه خلق، خبر عزیمت سه هزار سرباز ایرانی با استفاده از بیست فروند هلی کوپتر را اعلام کرد. این رادیو همچنین متذکر شد که طی دوهفته گذشته، کمک های ایران به دولت مسقط سه برابر شده است که سه گردان از نیروهای ویژه ، نقش بسیار مهمی را در این امداد ایفا می کنند (همان منبع، بولتن ۳۸۶، ۱۳۵۲/۱۰/۱۰).

پس از اعزام و استقرار مقدماتی واحدهای نظامی ایران، نبرد مستقیم و پاکسازی مناطق مختلف ظفار در دستور کار فرماندهان ارتش شاهنشاهی قرار گرفت. تصرف جاده راهبردی صلاله به مسقط، معروف به جاده سرخ در بخش مرکزی ظفار به عنوان نخستین مأموریت عمده ارتش ایران تعیین شد. به منظور پاکسازی این منطقه نیرو های ایران در پایگاه های فوج، ام الغوارف و صلاله در بخش جنوبی و پایگاه های میدونی و شعلیت در شمال جاده استقرار یافتند (کمیته فلسطین، ۱۳۵۴، ص ۵۰).

در شبانگاه ۲ دی ماه ۱۳۵۲ نیروهای ایران با استفاده از حمایت هوایی جنگنده های ایرانی وانگلیسی که از صلاله و پایگاه مصیره به پرواز در می آمدند، حملات خود را آغاز نموده و با سرکوب چریکها به تصرف اهداف مورد نظر پرداختند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، بولتن ۲۸۶، ۱۳۵۲/۱۰/۱۰).

در تاریخ ۱۳۵۲/۱۱/۹ راه بین صلاله و پایگاه نظامی میدوی (ثمریت) در مجاور دریای عمان پاکسازی و با عقب نشینی چریکها اوضاع منطقه مرکزی ظفار به سود نیرو های ایران و دولت مرکزی عمان تثبیت گشت (اطلاعات، ۱۳۵۲/۱۱/۹، ص ۲).

پس از تصرف جاده سرخ در محور صلاله به میدوی، ارتش ایران با همیاری نیروهای دولت عمان، ساخت یک کمربند دفاعی موسوم به هورن بیم در غرب صلاله و بین بندر رایسوت و رخیوت را به طول ۵۲ کیلومتری آغاز کرد (مصاحبه نگارندگان با شاهدان عینی).

در پاییز و زمستان سال ۱۳۵۳ سربازان ایران نبردهای سنگین و خونینی را در منطقه پوشیده از جنگل، باتلاق و پرتگاه های عمیق غرب و بخش های ساحلی ظفار انجام دادند. نیرو های ارتش ایران در ۱۹ دی ۱۳۵۳ شهر بسیار راهبردی و سوق الجیشی رخیوت در چهل کیلومتری مرز یمن جنوبی و در قلب سرزمین های چریک ها را محاصره کردند و به تصرف خود در آوردند (کیهان، ۱۳۵۳/۱۰/۱۹، صص ۱ و ۲).

سقوط رخیوت بزرگترین ضربه ای بود که جبهه خلق ظفار در طی جنگ نه ساله متحمل شده بود و پس از آن برتری و توانایی چریک ها به شدت کاهش یافت و روند انحطاط و زوال آنان آغاز شد.

پس از تصرف کامل رخیوت، ارتش ایران یک خط استحکاماتی جدید برای جلوگیری از رخنه مجدد چریکها در غرب آنان تأسیس کرد. این سد دفاعی که به نام خط دماوند شهرت یافت، در ۴۸ کیلومتری غرب خط دفاعی هورن بیم و در حدود ۲۴ کیلومتری مرز یمن جنوبی قرار داشت (مصاحبه نگارندگان با شاهدان عینی).

در اواخر خرداد ماه ۱۳۵۴ وادی جردوم در ساحل جنوبی ظفار پاکسازی گردید. (۱۰۲) ارتش ایران در ۲۴ و ۲۵ مرداد ۱۳۵۴ طی یک سلسله عملیات نظامی، دو موضع جدید در هشت کیلومتری شمال شرقی و یازده کیلومتری شمال رخیوت را به تصرف درآورد (کیهان، ۱۳۵۴/۵/۳۰، ص ۲).

از اواسط مهر ماه ۱۳۵۴ به منظور تصرف آخرین مراکز حیاتی و کلیدی جبهه خلق در نزدیکی مرزهای یمن جنوبی که عمده ترین حمایت کننده چریکها به شمار می رفت،

نبرد های بسیار شدیدی رخ داد. ارتش ایران در ۱۴ مهر ۱۳۵۴ دو منطقه مهم چریک-ها مابین مواضع الرشید و آخرت در غرب ظفار و در ۱۹ مهر ماه بیت المندوب در منطقه جنوبی آزیبی را به تسخیر خود آوردند (مصاحبه نگارندگان با شاهدان عینی).

ستاد مشترک ایران در روز جمعه ۲۵ مهر ماه ۱۳۵۴ طی اطلاعیه ای اعلام نمود که نیروهای ایران با پشتیبانی گسترده نیروی هوایی و دریایی ارتش شاهنشاهی و نیروی هوایی سلطنت عمان تپه استراتژیک ۵۸۷ در منطقه شایبوت مشرف بر بندر خرفات محل تخلیه تدارکات و شیرشیتی از مراکز اصلی شورشیان را به تصرف درآورده اند (همان منبع). در اواخر مهر ماه ۱۳۵۴، ارتش ایران مواضعی را در ناحیه آخارات (آیندگان، ۱۳۵۴/۷/۲۶، صص ۱ و ۲). و در بامداد روز ۳ مهر ارتفاع سوق الجیشی ۱۰۲۲ را در جنوب دهکده شازیبی در منطقه بیت المندوب فتح نمودند (مصاحبه نگارندگان با شاهدان عینی).

پیرو استراتژی دستیابی بر قلل و ارتفاعات غرب ظفار و در مجاورت سرحدات یمن جنوبی، نیروهای مسلح ایران در ۱۰ آبان ۱۳۵۴ پس از یک سلسله نبرد های خونین و دشوار با استفاده وسیع از قدرت آتش هلی کوپترهای هوا نیروز بر تپه ۱۰۷۳ که مسلط بر بندر سافکوت، دره حیفا و چشمه دوب بود، استیلا یافتند (همان).

در اواخر آبان ۱۳۵۴ تپه ۷۴۹ و ۸۳۶ و منطقه جنگلی با پرتگاه های عمیق و غارهای تودرتوی شیر شیتی از وجود چریکهای ظفار پاکسازی گردید (کیهان، ۱۳۵۴/۹/۳، صص ۱).

پس از پاکسازی کامل شیرشیتی، تپه ۹۲۳ در جنوب غربی منطقه تالفوت به دست نیروهای ایران افتاد و بیش از صد نفر از چریکهای ظفار که به طور پراکنده و نامنظم در ارتفاعات و غارها مخفی بودند، تسلیم شدند (کیهان، ۱۳۵۴/۹/۳، صص ۱).

بدین ترتیب با پیشروی و حملات مداوم قوای ایران، شورشیان مجبور به تسلیم و یا عقب نشینی به سوی مرزهای یمن جنوبی شدند.

در روز سه شنبه ۱۱ آذر ماه ۱۳۵۴، آخرین مواضع جبهه خلق در منطقه ذالکوت در منتهی الیه غربی ظفار سقوط کرد (کیهان، ۱۳۵۴/۹/۱۲، صص ۱)، (چمنکار، ۱۳۸۰، صص ۲۲۰).

با پیروزی های جبهه مشترک به تدریج رهبران رده بالای جبهه خلق ظفار و دهها تن از هواداران آنان تسلیم دولت مرکزی شدند که از برجسته ترین آنها می توان به عمروسهیل

سلیم العمری ملقب به ارض الخیر، مسئول سازمان سیاسی و عضو کمیته فرماندهی ظفار، سالم محمد ادعر مشهور به ابو شکر دبیر کمیته مرکزی جبهه خلق و سعید سالم خوف از فرماندهان مهم نظامی اشاره کرد (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۲۱، پرونده ۳، بخش ۶).

سرانجام در روز شنبه ۱۳۰۴/۹/۲۲ سلطان قابوس بن سعید پادشاه عمان در جمع هزاران عمانی که به همراه تمامی وزیران کابینه و مقامات کشوری و لشکری در ورزشگاه پلیس مستقر گرد آمده بودند، رسماً پیروزی بر چریک‌ها، کمونیسم بین‌المللی و پایان جنگ ده ساله با شورشیان را اعلام نمود (آیندگان، ۱۳۵۴/۹/۲۳: ص ۱).

پس از سرکوب چریک‌های ظفار بخش‌هایی از ارتش ایران به ویژه در قسمت پدافند و مراقبت‌های هوایی به حضور خود در عمان ادامه دادند. به گفته سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، مادام که دولت عمان به وجود ارتش ایران احتیاج داشته باشد، این نیروها در اینجا باقی خواهند ماند، لیکن هر موقع که رئیس کشور عمان تشخیص دهد و اعلام دارد که به تعدادی یا کلیه نیروهای ایران نیازی ندارد، دولت شاهنشاهی بی‌درنگ آنها را فرا خواهد خواند (آیندگان، ۱۳۵۴/۹/۲۴: صص ۱ و ۴).

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به دستور مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت تمامی نیروهای نظامی ایران مستقر در ظفار که در وضعیتی فراموش شده و بلا تکلیف به سر می‌بردند از سرزمین عمان فرا خوانده شدند (middle east and north Africa, ۱۹۸۲, p6۵۷).

### نتیجه‌گیری

روابط خارجی ایران در دوره پهلوی دوم با سلطنت عمان، تحت تأثیر مجموعه رویدادهایی که منطقه خلیج فارس و دریای عمان را از اوایل دهه ۱۹۷۰ م، ۱۳۵۰ ش، دگرگون ساخت، گسترش یافت. خروج نیروهای انگلستان از خلیج فارس بر اساس سیاست شرق کانال سوئز و مسئله خلاء قدرت، دکترین نیکسون مبنی بر اعطای هرچه بیشتر اختیارات امنیتی به متحدان امریکا در مناطق ژئوپولیتیک جهان، تحول نقش آفرینی

ایران به عنوان قدرت برتر در حوزه خلیج فارس با هدف پر کردن خلاء قدرت ناشی از عدم حضور عناصر انگلیسی که در ارتباط تنگاتنگ با سیاست خارجی دوران ریچارد نیکسون، افزایش قیمت نفت و توسعه توانمندی نظامی تهران صورت پذیرفت، از مهم‌ترین این رویدادها بود. با اعلام خروج نیروهای انگلیسی از منطقه خلیج فارس و جلوس سلطان قابوس بن سعید که نقطه عطفی در روابط ایران با عمان بود، دولتمردان ایران به منظور ایفای هر چه بیشتر نقش امنیتی خود و در راستای بسط و گسترش قدرت مانور در تنگه هرمز و ماورای آن، به سوی عمان گرایش یافتند؛ دولتی نوپا و توسعه نیافته که در نتیجه نبرد فرسایشی با چریک‌های ظفار و عقب ماندگی شدید اقتصادی و فرهنگی ناتوان بود و علاوه بر آن بربخش بسیار مهم جنوبی تنگه هرمز که در سیاست خارجی ایران اهمیت راهبردی داشت، حکومت می‌کرد. ایران با حمایت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به ویژه نظامی از سلطان قابوس، توانست مجوز اداره بالفعل تقریباً تمامی تنگه هرمز را با استفاده از جزایر و امکانات عمان به دست آورد. دولت عمان به عنوان یکی از مهم‌ترین شرکای سیاسی اقتصادی و نظامی ایران در منطقه خلیج فارس در ارتباط تنگاتنگ با سیاست‌های حکومت پهلوی دوم عمل می‌کرد و به عنوان یک نیروی موازنه و واسطه نقش بسیار مهمی در بهبودی و گسترش روابط ایران با سایر دول عرب ایفاء می‌نمود. این روابط تا پایان حکومت پهلوی در ایران در بالاترین سطوح ادامه یافت.

## منابع

## الف- کتب و مقالات

- ۱- اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا، انقلاب ظفار و تحولات خلیج فارس، مجموعه کرامه ۷، بی نا، بی جا، ۱۳۵۴.
- ۲- اشیولر، برتولد، تاریخ مغول در ایران، محمود میرآفتاب، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۱.
- ۳- اقبال آشتیانی، عباس، مطالعاتی در تاریخ بحرین و جزایر و سواحل فارس و دریای عمان، بی نا، تهران، ۱۳۲۸.
- ۴- اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵.
- ۵- پیرنیا، حسن، ایران باستان، ۳ جلد، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۰.
- ۶- تقی زاده، حسن، از پرویز تا چنگیز، فروغی، تهران، ۱۳۴۹.
- ۷- چمنکار، محمد جعفر، ۱۳۷۹، پهلوی دوم و عملیات در ظفار، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ش ۱۳ و ۱۴، بهار و تابستان.
- ۸- چمنکار، محمد جعفر، ۱۳۸۰، بحران ظفار در واپسین دهه روابط خارجی ایران عصر پهلوی، سال ۲، ش ۷۵.
- ۹- چمنکار، محمد جعفر، ۱۳۸۲، روابط ایران و عمان در دوره پهلوی، سال ۴، ش ۱۶، پائیز
- ۱۰- چمنکار، محمد جعفر، ۱۳۸۳، بحران ظفار و رژیم پهلوی، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ۱۱- خصیبه، محمد ابراهیم، سلجوقیان و غز در کرمان، به کوشش محمد ابراهیم باستانی پاریزی، طهوری، تهران، ۱۳۴۳.
- ۱۲- دکمجیان، هرایر، جنبش های اسلامی در جهان غرب، حمید احمدی، کیهان، تهران، ۱۳۴۳.



- ۱۳- دنبلی، عبدالرزاق، تجربه الاحرار و تسلیة الابرار، به تصحیح حسن قاضی طباطبایی، دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، بی تا
- ۱۴- سازمان برنامه و بودجه. مرکز آمار ایران، دفتر تدوین سالنامه و آرشیو آماری ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ش
- ۱۵- سدیدالسلطنه، محمدعلی خان، تاریخ مسقط، عمان، بحرین و قطر در روابط آنها با ایران، تصحیح، تحشیه و پیوستها از احمد اقتداری، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۰
- ۱۶- شعبانی، رضا، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، نوین، تهران، ۱۳۶۹
- ۱۷- شمیم، علی اصغر، ایران در زمان سلطنت قاجار، علمی، تهران، ۱۳۷۰
- ۱۸- صدرالدین ابوالحسن علی بن ناصر الحسینی، زیدة التواریخ، اخبار امرا و پادشاهان سلجوقی، رمضان علی روح اللهی ایل شاهسون بغدادی، تهران، ۱۳۸۰
- ۱۹- طلوعی، محمود، نبرد قدرت ها در خلیج فارس، بیک ترجمه و نشر، تهران، ۱۳۶۶
- ۲۰- علم، اسداله، گفتگوی من با شاه، خاطرات محرمانه امیراسدالله علم، گروه مترجمان، طرح نو، تهران، ۱۳۷۱
- ۲۱- علی یحیی معمر، اباضیه، یکی از مذاهب میانه رو اسلامی، ترجمه حمید رضا شیخی، فصلنامه مشکوه، ش ۳۳، زمستان ۱۳۷۰
- ۲۲- فقیهی، علی اصغر، آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر، صبا، تهران، ۱۳۵۶
- ۲۳- فلسفی، نصراله، سیاست خارجی ایران در دوره صفویه، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران؛ ۱۳۴۲
- ۲۴- کامران مقدم، شهین دخت، تاریخ کشورهای همجوار ایران، ج ۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶
- ۲۵- گوٹشمید، الفردفن، تاریخ ایران و ممالک همجوار آن زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان، کیکاوس جهاننداری، علمی، تهران، بی تا

- ۲۶- مجتهدزاده، پیروز، سرزمین قبیله شیوخ، مجله دانشمند، س ۱۳، ش ۱۴۶، آذرماه ۱۳۵۴
- ۲۷- مجتهدزاده، پیروز، جزایر تنب و ابوموسی، رهنمونی در کاوش برای صلح و همکاری در خلیج فارس، به کوشش حمیدرضا ملک محمدی نوری، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۵
- ۲۸- مرعشی صفوی، محمد خلیل، مجمع التواریخ در تاریخ انقراض صفویه و وقایع بعد تا سال ۱۲۷۰ هجری به تصحیح عباس اقبال، طهوری، تهران، ۱۳۶۲
- ۲۹- مدرسی زنجانی، محمد، جامع التواریخ، تصحیح محمد تقی دانش پژوه، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۸
- ۳۰- موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی ایران، تصویر آماری بازرگانی خارجی ۶۰-۱۳۵۱ش، تهران، ۱۳۶۳
- ۳۱- ناصر خسرو قبادیانی مروزی، سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش نادر وزین پور، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۵۶
- ۳۲- وزارت امور خارجه، روابط خارجی ایران در سال ۱۳۴۹ شمسی، گزارش سالیانه وزارت امور خارجه
- ۳۳- وزارت امور خارجه، روابط خارجی ایران در سال ۱۳۵۱-۱۳۴۹ شمسی، گزارش سالیانه وزارت امور خارجه.
- ۳۴- وزارت امور خارجه، سرزمینهای جنوبی خلیج فارس و سلطان نشین عمان، اداره نهم وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۵۰
- ۳۵- وزارت امور خارجه، اطلاعاتی درباره عمان، اداره اول سیاسی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۶۱
- ۳۶- وزارت امور خارجه، روابط دولت شاهنشاهی با کشورهای حوزه مسئولیت اداره نهم، اداره انتشارات و مدارک وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۵۵
- ۳۷- وزارت امور خارجه، روابط خارجی ایران، اداره انتشارات و مدارک، تهران، ۱۳۵۳

- ۳۸- وزارت امور خارجه، نشریه اخبار و اسناد از فروردین تا شهریور ۱۳۵۱، اداره انتشارات و مدارک، ۱۳۵۴.
- ۳۹- وزارت امور خارجه، سیاستگذاران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، تهران، ۱۳۶۹.
- ۴۰- وزارت امور خارجه، کتاب سبز عمان، ۱۳۶۸.
- ۴۱- یار شاطر، احسان و دیگران، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، حسن انوشه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۷.
- ۳۸- یگانه عباس، عمان، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل امور خارجه، تهران، ۱۳۷۴.

#### روزنامه ها و جراید

- ۱- روزنامه اطلاعات، سلطان عمان به نفع پسرش استعفا کرد ۱۳۴۹/۵/۴
- ۲- روزنامه اطلاعات، سلطان قابوس به تهران می آید، ۱۳۵۲/۱۲/۹
- ۳- روزنامه اطلاعات، مذاکره سلطان قابوس با نخست وزیر ۱۳۵۲/۱۲/۱۳
- ۴- روزنامه اطلاعات، عقب نشینی شورشیان ظفار، ۱۳۵۲/۱۱/۱۹
- ۵- روزنامه اطلاعات، شاهنشاه آریا مهر: خرابکاری را در خلیج فارس تحمل نمی کنیم، ۱۳۵۲/۱۲/۱۲
- ۶- روزنامه اطلاعات، عمان در راه پیشرفت های اقتصادی و فرهنگی ۱۳۵۲/۸/۲۷
- ۷- روزنامه آیندگان، وزیر امور خارجه عمان به تهران می آید ۱۳۵۱/۴/۱
- ۸- روزنامه آیندگان، نیازمندی های عمان و کمک های ایران ۱۳۵۱/۴/۲۹
- ۹- روزنامه آیندگان، پیروزی نیروهای ایران در مقابله با شورشیان ظفار، ۱۳۵۴/۷/۲۶
- ۱۰- روزنامه آیندگان، شورش ده ساله ظفار سرکوب شد، ۱۳۵۴/۹/۲۳
- ۱۱- روزنامه آیندگان، سربازان ایرانی در ظفار سرکوب شد، ۱۳۵۴/۹/۲۳

۱۲- روزنامه رستاخیز، شاهنشاه: عمان یک کانون ثبات و قدرت در این منطقه از جهان شده است، ۱۳۵۶/۹/۶.

۱۳- روزنامه رستاخیز، تقدیم پیام سلطان عمان به حضور شاهنشاه، ۱۳۵۷/۷/۲۵.

۱۴- روزنامه رستاخیز، عمان پرتکاپو و فعال در جهت تحول و صلح، ۱۳۵۴/۴/۱۴.

۱۵- روزنامه پیغام امروز، عمان با کمک نیروهای ایرانی به ساختن جاده پرداخت، ۱۳۵۴/۱۱/۱۶.

۱۶- روزنامه کیهان، قوای ایران ارتش یمن جنوبی را عقب راند، ۱۳۵۴/۹/۳.

۱۷- روزنامه کیهان، قوای ایران مرکز شورشیان ظفار را فتح کرد ۱۳۵۳/۱۰/۱۹.

۱۸- روزنامه کیهان، پنج شورش ظفار تسلیم شدند، ۱۳۵۴/۳/۲۶.

۱۹- روزنامه کیهان، ارتش ایران شورشیان ظفار را از دو موضع عقب راند، ۱۳۵۴/۵/۳۰.

۲۰- روزنامه کیهان، آخرین موضع شورشیان در ذالکوت سقوط کرد، ۱۳۵۴/۹/۱۲.

#### اسناد و آرشیوهای منتشر نشده

۱- آرشیو اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۱۳-۶۹۲-۱۴۵.

۲- آرشیو اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۱۷۲-۹۷۳-۱۴۵.

۳- آرشیو اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۱۶۸-۹۷۳-۱۴۵.

۴- آرشیو اسناد ریاست جمهوری، صورت مذاکرات شاهنشاه آریا مهر با حضور شیخ حمد بن محمد آل شرقی حکمران فجیره در کاخ نیاوران، ۱۳۵۴/۸/۱۸ سند شماره ۱۹۷-خ.

۵- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد نمایندگی ها، مسقط و عمان، ۵۵-۱۳۵۰ش کارتن ۱۴، پرونده ۲۰۵، از وزارت امور خارجه به سفارت ایران در مسقط، تاریخ ۱۳۵۳/۱۰/۲۸.

- ۶- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد نمایندگی ها، مسقط و عمان، ۵۵-  
۱۳۵۰ش کارتن ۱۴، پرونده ۲۰۵، از سر لشکرکی، رئیس اداره روابط عمومی  
ستاد بزرگ ارتشتاران به وزارت امور خارجه، ۱۳۵۳/۱۱/۱۶
- ۷- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد نمایندگی ها، مسقط و عمان، ۵۵-  
۱۳۵۰ش کارتن ۱۴، پرونده ۲۰۵، از سفارت ایران در مسقط به وزارت امور  
خارجه ۱۳۵۳/۱۱/۱۴.
- ۸- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد نمایندگی ها، مسقط و عمان، ۵۵-  
۱۳۵۰ش، خلاصه گزارش تهیه شده به وسیله اداره اول سیاسی وزارت خارجه با  
عنوان شورش ظفار و جبهه خلق برای آزادی عمان و خلیج عربی، جعبه ۲۱،  
پرونده ۲، بخش ۹.
- ۹- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد نمایندگی ها، مسقط و عمان، ۵۵-  
۱۳۵۰ش، جعبه ۷، پرونده ۲، بخش ۵ نامه بهمن زند سفیر ایران در عمان به  
عباسعلی خلعتبری وزیر امور خارجه به شماره و تاریخ ۲۶۴/س-۱۳۵۴/۱۹/۱۴.
- ۱۰- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد نمایندگی ها، مسقط و عمان، ۵۵-  
۱۳۵۰ش، کارتن ۲۱، پرونده شماره ۳، بخش ۶

## گزارشهای منتشر نشده

- ۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، بولتن ۲۹۰، ۱۳۵۲/۱۱/۱۴ میکرو فیلم محرمانه
- ۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، بولتن ۳۸۶، ۱۳۵۲/۱۰/۱۰ میکرو فیلم محرمانه
- ۳- منتدیات انساب اون لاین، قبایل اقلیم ظفار، ۲۰۰۷/۳/۱۵.
- ۴- مصاحبه با شاهدان عینی

## منابع لاتین

- ۱-Anthony, John Duke . Historical and Cultural dictionary of the  
Sultanate Oman and the Emirates of Eastern Arabia , The  
Scarecrow Press , ۱۹۷۶.

- ۲- Britanica book of the year, ۱۹۹۰.
- ۳- Ministry of Information. Oman , Sultanate of Oman , ۱۹۹۸ /۹۹.
- ۴- Peterson.J.E. guirrialla warfar London. ۱۹۷۵.
- ۵- Patricia Risso. Oman and Muscat And early Modern History , Croom Helm, London, ۱۹۸۶.
- ۶- The Europa world Year book. Vol ۷, London, Europa Publications Limited, ۱۹۹۸.
- ۷- The Middle East and north Africa. ۱۹۸۲\_ ۸۳, Europe Publications Linted, London , ۱۹۸۲.
- ۸- The New Encyclopedia Britanica. University of Chicago, ۱۹۹۰, vol ۴.
- ۹- wazaifi, Rashid. The Arabian year book. Dar al seyassat press. ۱۹۷۶.

